



مسعود کرامتی از افق تا سفر به چزابه

# مجنونی در چزابه

○ نیره رضایی مطلق

که شاید هنوز هم به عنوان آثار در خور جنگ به حساب بیاید.

شاید همین تجربیات بود که در فیلم «مجنون» ملاقلی پور هم بازی کردم من تهیه کننده آن فیلم بودم اما کارگردانی ملاقلی پور حس دیگری به من می داد.

از «مجنون» چیزی یادتان است؟

سال ۶۹ بود که ملاقلی پور گفت دوست دارد اثری اجتماعی بسازد در مجنون قصه ناصر جوانی که قصد ازدواج با رعنا را دارد روایت می شود. فیلم در شهر بود و فضای جنگی نداشت اما باز هم از تبعات جنگ غافل نبود. من از همان ابتدا دوست داشتم. فضای جنگ را تجربه کنم چون توانایی اش را نداشتم اما ملاقلی پور بسیار مرا مصمم کرد. ضمن اینکه خودم در کنار بهزاد بهزاد پور در این فیلم بازی کردم.

اما بعد از آن باز هم در «پناهنده» با ملاقلی پور همکاری کردید؟

پناهنده یک سال بعد ساخته شد سال ۷۰، و دوباره قصه اش در حاشیه جنگ بود. دغدغه جنگ و آدم‌هایی که با آن در ارتباطند این اثر را متفاوت کرد. قصه بنفشه و سعید زن و شوهری که ده سال در خارج از کشور عضو گروه‌های مخالف بودند و فرار می کنند و به ایران می آیند و با علی، یک بسیجی کهنه کار آشنا می شوند و... بازی من در این فیلم نوعی یک تجربه خوب بود.

**مشخص و گزیده‌ای است. خودتان از روند حضور هنری تان چه برداشتی دارید.**

اینکه شما تعبیر مشخص و گزیده‌ای را به کار می برید شاید برداشت شخصی شما باشد اما برای خود من خط مشخصی در آثارم بوده است.

من فعالیت هنری‌م را از سال ۵۵ با تئاتر شروع کرده‌ام و پس از آن دستیاری کارگردانی و عروسک گردانی فیلم به یادماندنی «شهر موش‌ها» سینما را تجربه کردم. شاید دستیاری کارگردانی چون رسول ملاقلی پور و محمدرضا هنرمند این حس را به من داد که سینما را از زاویه‌ای درست و فرهنگی بشناسم. و اگر هم در تلویزیون حضور پیدا می کنم نقش‌های مناسب و تأثیرگذاری داشته باشم.

**چه طور می توانید بازیگری و کارگردانی را با هم تلفیق کنید در حالی که در بسیاری از کارهایی که دستیار بودید هم بازی کردید.**

پیشنهاد کارگردانان به من برای بازی این حس را به من داد که می توانم در هر دو حوزه کار کنم. یادم هست که وقتی «افق» را کار می کردیم. هیچ وقت فکر نمی کردیم این کار نامزد چند جایزه می شود و جایزه برترین اثر جشنواره فیلم دفاع مقدس را بگیرد.

نگاه ملاقلی پور به دفاع مقدس و جنگ طوری بود که در همه از جان و دل کار می کردند. افق قصه‌ای متفاوت داشت. خیلی فضای پشت صحنه آن یادم نیست که اما به هر صورت آن قدر جذاب بود

از دستیاری کارگردانی در فیلم «افق» تا کارگردانی و بازیگری آثار سینمایی و تلویزیونی مسیر چندان آسانی نبوده است و این دشواری است که امروزه مسعود کرامتی را در عرصه سینما و تلویزیون صاحب منزلت کرده است.

اگر مسعود کرامتی تجربیات دهه ۶۰ خود را در کنار محمد علی طالبی در اثر سینمایی «شهر موش‌ها» و زنده یاد رسول ملاقلی پور در «افق» را به یاد بیاورد آن وقت می توان شروع کارگردانی اش را با آثار کودک و نوجوان که چندان هم سهل نیست (کارگردانی «پاتال و آرزوهای کوچک» و «مرغابی وحشی») شروعی مناسب دانست.

او که این روزها علاوه بر کارنامه کارگردانی اش که با آثار کودک و نوجوان پر بها شده است. در کسوت بازیگری پرتوان هم ظاهر شده است با خود تجربیاتی را به همراه دارد که اندوخته‌ای پر بها است.

در هر صورت اگر مخاطب امروزی او را با آصف سریال «بی پناهان» یا رئیس شرکت مالی سریال «راه بی پایان» به یاد می آورد اما نباید از حضور او در آثار دفاع مقدسی هم غافل شود.

بازی در «مجنون»، «پناهنده» و «سفر به چزابه» رسول ملاقلی پور به کارنامه او ارزشی خاص داده است و ما نیز به همین بهانه با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

**کارنامه کارگردانی و حتی بازیگری شما یک ویژگی خاص دارد و آن اینکه کاملاً شفاف،**

نگاه ملاقلی پور به دفاع مقدس و جنگ طوری بود در همه از جان و دل کار می کردند. افق قصه‌ای متفاوت داشت. خیلی فضای پشت صحنه آن یادم نیست که اما به هر صورت آن قدر قصه جذاب بود که شاید هنوز هم به عنوان آثار در خور جنگ به حساب بیاید



به اعتقاد خیلی‌ها «سفر به چزابه» بعد از چند فیلم جنگی و اجتماعی ملاقلی‌پور اثری قابل توجه بود. شاید پخته شدن کارگردان و بقیه عوامل در طول کار این اثر را متفاوت کرد.

**شاید همین تجربیات بود که کم‌کم شما را به «سفر به چزابه» رساند. فیلمی که بعدها در تلفیق با «نجات یافتگان» ملاقلی‌پور از تلویزیون هم پخش شد؟**

– به اعتقاد خیلی‌ها «سفر به چزابه» بعد از چند فیلم جنگی و اجتماعی ملاقلی‌پور اثری قابل توجه بود. شاید پخته شدن کارگردان و بقیه عوامل در طول کار این اثر را متفاوت کرد. و خیلی‌ها این اثر را آغازی دوباره برای ملاقلی‌پور می‌دانند.

**شما در این فیلم نقش اول را داشتید.**

– «سفر به چزابه» قصه وحید است او کارگردانی است که می‌خواهد یک فیلم جنگی بسازد و از علی دوست آهنگسازش دعوت می‌کند تا با دیدن قسمت‌هایی از اثر برای فیلم موسیقی بسازد. اما علی نمی‌تواند با فیلم ارتباط درستی برقرار کند و با دوستانش به چزابه سفر می‌کند و در فضایی رویایی روزهای جنگ پیش چشم‌ان حسرت زده آن دو مجسم می‌شود.

**شما و فرهاد اصلانی نقش اول‌های این فیلم بودید حالا از آن حس چیزیی به یاد دارید.**

– ملاقلی‌پور خود نویسنده آثارش بود. وقتی نقش وحید را می‌نوشت حس کرد که من می‌توانم آن را بازی می‌کنم. نقش راحتی نبود و سختی‌های خاص خودش را داشت. بازی فرهاد اصلانی در نقش وحید هم مناسب نوشته شده بود.

پس از سفر به چزابه فیلم‌های متعددی با کیفیت متفاوت در عرصه دفاع مقدس ساخته شده است اما فکر می‌کنم کمتر اثری این قدر فراز و نشیب در تولید داشته است.

وسواس ملاقلی‌پور و سختی‌هایی که در ساخت آثار دفاع مقدسی تحمل کرد برایم فراموش نشدنی است.

**اگر بخواهید از همکاری تان با ملاقلی‌پور بگویید چه زاویه‌ای را در نظر می‌گیرید.**

– من با ملاقلی‌پور از سال ۶۵ به عنوان دستیارش آشنا شدم و تا سال ۷۵ با او کار کردم. در طول این ۹ سال به غیر از همکار بودن وقت زیادی را با او گذراندم. رابطه ما با هم دوستانه بود. شاید آن ابتدا تمرین با بازیگران بود که نوعی اعتماد به من پیدا کرد و این دوستی ادامه یافت و واقعاً به جرأت می‌گویم که سفر به چزابه کار قشنگی است.

**الان که به آن زمان فکر می‌کنم یادم می‌آید که علی‌رغم توجه سینمایی‌ها به این فیلم، این اثر در گیشه موفق نبود و بعد هم که نسخه تلویزیونی‌اش پخش شد.**

– این فیلم در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر نامزد بهترین صحنه‌آرایی، صدابرداری، کارگردانی، جلوه‌های ویژه، فیلمبرداری تدوین بهترین فیلم و حتی چهره‌پردازی شد. همه این‌ها یعنی سینما قدر این فیلم را دانست اما فیلم در زمان خودش هم دیده شد. ملاقلی‌پور می‌گفت چون در اثرم

صراحت و صداقت بود و از تمثیل و استعاره استفاده نکرده بودم مخاطب هم از آن خوشش نیامد.

**اما یادم هست که نسخه تلویزیونی‌اش حسایی مخاطبان را جذب کرد.**

– بله، به هر حال مخاطب در آن زمان، قدر این کار را دانست هر چند این نسخه تلفیق دو اثر سینمایی ملاقلی‌پور بود. که در سینما اکران ضعیفی داشت.

**بازی در بیگناهان هم نام شما را در ذهن بسیاری ماندگار کرد.**

– به هر حال من و احمد معینی با رفاقتی که داشتیم توانستیم حس خوبی از این سریال به یادگار بگذاریم. نقش آصف را دوست داشتم هر چند خیلی سخت پذیرفتمش و دست و دلم می‌لرزید که آیا این نقش خوب می‌شود یا نه

ولی می‌دانستم سعید

شاهسوری در هنگام

نوشتن نقش به

من فکر کرده و

بر اساس فیزیک

و رفتار من آصف

را نوشته است

همین مسئله هم

مرا مجاب کرد

که کار را بپذیرم.

**در زمان پخش**

**سریال بسیاری**

**از مخاطبان**

**با آصف همراه**

**شدند.**

– او آدمی به شدت

اهل خانواده بود،

همسرش را و

پسرش را

دوست

داشت اما به هر حال در پشت این چهره لایه‌های دیگری بود آصف شاید مثل خیلی از آدم‌های دیگر است. چند لایه دارند و نباید هیچگاه به طور کامل درباره آنها کامل قضاوت کرد. نقش پیچیدگی‌هایی داشت که نوع بازی خاصی را می‌طلبید و من مدام با احمد معینی درباره آصف حرف می‌زدم.

**در این سریال این قدر طبیعی بازی می‌کردید که یادمان می‌رفت آصف و کرامتی دو نفر جدا هستند.**

– شاید به این دلیل است که از اغراق در بازی بدم می‌آید. برای همین اصلاً دوست ندارم گریم متفاوتی بشوم یا صدام را عوض کنم. چون این کارها راحت‌ترین نوع متفاوت بودن است و تلاشی را نمی‌طلبید. کار سخت این است که همیشه مسعود کرامتی باشی و در عین حال یک نقش دیگر را مثل خود نقش بازی کنی.

**در حال حاضر هم در سینما مشغول هستید.**

– بعد از چند کار سینمایی و انتظار برای اکران «وزخ، برزخ، بهشت» به کارگردانی بیژن میرباقری که سال پیش، کنار مسعود رایگان بازی کردم. حالا کارگردانی یک کار جدید را تمام کرده‌ام بهناز جعفری در این فیلم بازی می‌کند و مفهومی اجتماعی با لحن طنزآمیز دارد. روایت‌گر زندگی دو کودک است که در روستایی زندگی می‌کنند. دوست دارم امسال در جشنواره فیلم فجر این فیلم را ببینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.

بینید.